

تحلیل چالش‌های زنجیره ارزش انگور، مطالعه موردی در استان آذربایجان غربی

سیده شیرین گلباز^{۱*}، اسماعیل کریمی دهکردی^۲، محمدرضا اصغری^۳

۱- دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان

۲- دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان؛ و دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس

۳- استاد گروه باغبانی، دانشگاه ارومیه

چکیده

ارتقای ظرفیت‌ها در زنجیره ارزش محصولات کشاورزی منجر به بهره‌وری و درآمد بالاتر می‌شود که مستلزم دانش و نوآوری‌های به روز است. کشاورزان در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های مختلفی در فرایند قبل از تولید، حین تولید، و پس از تولید محصولات کشاورزی مواجه هستند. این پژوهش چالش‌های موجود در زنجیره ارزش تولید انگور در استان آذربایجان غربی را بررسی می‌کند. این پژوهش از یک رویکرد کیفی و روش‌شناسی تئوری بنیانی استفاده شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختارمند حضوری با کارکنان سازمان جهاد کشاورزی، محققان مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی و انگورکاران در استان آذربایجان غربی، با انتخاب از طریق نمونه‌گیری هدفمند (۲۶ نفر) گردآوری شدند. تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۲ انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که چالش‌های موجود در سه مرحله قبل، حین و بعد از تولید انگور عبارتند از: مسایل نهادی، انسانی، اجتماعی و مالی، بحران‌های طبیعی، کمبود دانش، مسایل نظام‌های بهره برداری، زیرساخت‌های فیزیکی و تکنولوژیکی.

واژگان کلیدی: زنجیره ارزش، انگور، کشاورز، چالش‌ها، آذربایجان غربی.

* نویسنده مسئول مکاتبات: shiringolbaz90@gmail.com

شهرستان ارومیه رتبه اول و شهرستان میاندوآب رتبه دوم استان را با سطح زیرکشت‌های ۱۰۸۵۰ و ۲۹۵۰ دارا هستند (سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی، ۱۳۹۷).

بهره‌وری و تولیدات بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته به مراتب پایین‌تر می‌باشد (Aker, 2011). پایین بودن رتبه عملکرد در هکتار انگور ایران در مقایسه با رتبه عملکرد ایران در دنیا می‌تواند حاکی از وجود چالش‌هایی در زنجیره ارزش انگور باشد. طوری که کشاورزان در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های مختلفی در فرایند تولید، پس از تولید، و بازاریابی محصولات کشاورزی مواجه هستند (Makini, Kamau, Makelo, & Mburathi, 2013). دسته‌ای از این چالش‌ها به تولید یا قبل از تولید ارتباط پیدا می‌کنند، همچون نامناسب بودن سیستم کشت، استفاده نکردن بهینه از کود، مصرف بی‌رویه سموم و مواد شیمیایی، عدم تنظیم فواصل درختان، نامناسب بودن هرس، روش‌های سنتی و نامنظم آبیاری و برداشت‌های دیر هنگام محصولات. همچنین نبود سرمایه برای پذیرش فناوری‌های مورد نیاز (سیستم‌های آبیاری، نهاده‌ها، بذرها و کودها) مساله مهم دیگری است که در فرایند تولید منجر به پایین آمدن سطح تولید در هکتار و بهره‌وری در کشاورزی، آسیب رساندن به محیط زیست و منابع طبیعی، و پایین آمدن کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی از نظر طول مدت انبارداری و ارزش غذایی می‌شوند. در فرایند پس از تولید و بازاریابی نیز چالش‌های مهم به ارتباط ضعیف کشاورزان با بازار از لحاظ نبود امکانات فیزیکی همچون انبارداری، فرآوری محصولات، میدان فروش محصولات (بازار)، جاده‌ها، برق، امکانات ارتباطی، و عدم آگاهی از محصولات کشاورزی مورد نیاز جامعه و بازار برای تولید، و عدم صادرات محصولات کشاورزی مربوط می‌شوند (Du, Kang, Zhang, Li, & Birachi et al., 2013; Yan, 2008; Läßle, Renwick, & Thorne, 2015; Makini et al., 2013) (رسولی، ۱۳۸۸؛ زارع، ۱۳۸۴؛ حسین زاده، ۱۳۹۴؛ صالحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ گلباز و همکاران، ۱۳۹۴؛ ماقبل و همکاران، ۱۳۹۵؛ مکی آبادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نجائیان، ۱۳۸۵). با توجه به اهمیت این مساله، در این پژوهش چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در استان آذربایجان غربی بررسی شده است.

کشاورزی نقش مهمی در اشتغال و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه دارد (Aker, 2011). همچنین در حفظ محیط زیست، حفظ میراث‌های فرهنگی روستایی، پایداری معیشت خانوارهای کشاورز و روستایی، درآمد، کاهش فقر و تامین نیازهای غذایی جامعه حایز اهمیت است (Karamidehkordi, 2010; WorldBank, 2006). کشاورزی در ایران نیز به دلیل تامین غذای مورد نیاز جامعه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی کشور محسوب می‌شود، زیرا که هم در ارزش افزوده و هم اشتغال از سهم بالایی برخوردار است و تامین کننده بیش از ۸۰ درصد امنیت غذایی کشور است (مکی آبادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۸ الف). باغبانی یکی از زیر بخش‌های مهم بخش کشاورزی با تولید سالانه بیش از ۲۲ میلیون تن غذا، نیز نه تنها در تامین نیاز غذای داخل کشور موثر است، بلکه نقش به‌سزایی در صادرات و اقتصاد کشور ایفا می‌کند. با این وجود، بخش کشاورزی در زنجیره ارزش با چالش‌های مهمی مواجه است.

در بین محصولات باغبانی، کشت انگور یکی از فعالیت‌های عمده باغبانی جهان و ایران به لحاظ سطح زیرکشت و ارزش اقتصادی و تغذیه‌ای بالا بوده و از این چالش‌ها مستثنی نیستند. براساس آخرین آمار سازمان خوار و بار کشاورزی ملل متحد (FAO)^۱ مقدار تولید انگور دنیا در سال ۲۰۱۸ مجموعاً ۷۹ میلیون تن بوده است (FAO, 2020). کشور ایران در سال ۱۳۹۷ با سطح زیرکشت ۲۸۹ هزار هکتار سطح بارور و با تولید حدود ۳ میلیون تن ۱۴/۸ درصد تولیدات باغبانی کشور را به خود اختصاص داده و در رتبه هفتم جهان قرار داشت. این درحالی است که با عملکرد ۱۲۵۷۱ کیلوگرم در هکتار انگور آبی و ۳۷۰۴ کیلوگرم در هکتار انگور دیم در رتبه بیست و پنجم قرار گرفت (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۸ ب). این محصول باغی در سراسر جهان کشت گردیده و به تنهایی در هزاران فرآورده مورد مصرف دارد، که می‌تواند در اقتصاد، صادرات و ارزآوری کشور نقش موثری داشته باشد (مفتون آذر، ۱۳۸۰؛ مقصودی، ۱۳۸۶). استان آذربایجان غربی یکی از مناطق انگورخیز کشور با حدود ۲۱۲۸۵ هکتار سطح زیرکشت (۲۰۳۰۸ هکتار سطح زیر کشت بارور، ۹۷۷ هکتار سطح زیر کشت غیربارور) است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۸ ب).

¹ Food and Agriculture Organization

و مقررات، و عدم مهارت نشان دادند. مینوت و ساویر^۳ (۲۰۱۶) در پژوهش خود در کشورهای در حال توسعه عدم دسترسی کشاورزان به اعتبارات مالی، فناوری، زیرساخت‌ها و عدم تامین به موقع منابع را از موانع مشارکت کشاورزان می‌دانند. نیاگو و ماگوتو^۴ (۲۰۱۶) در پژوهش خود محدودیت‌های زنجیره ارزش جای را در قالب محدودیت‌های تجهیزات، انسانی، سیاستی و بازار دسته‌بندی کرده‌اند. هامد^۵ (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان داد که، بهبود سطح خردفروشی، ارتقاء سطح بازار عمده فروشی، بهبود سطح صادرکنندگان، بهبود سطح باغبانی، بهبود جریان اطلاعات باعث ارتقای زنجیره ارزش انبه می‌شود. صدیق^۶ (۲۰۱۵) در پژوهش خود چالش‌های موجود در زنجیره را شامل، مشکلات دسترسی به نیروی انسانی، کیفیت کود و سموم مصرفی، دسترسی محدود به اطلاعات تولید، دسترسی به اعتبارات (وام)، پایین بودن کیفیت بذور و واریته‌های مصرفی، حاصلخیزی خاک، عدم دسترسی به موقع به کانال آب، هزینه بالای نهاده‌ها، نامناسب بودن زیرساخت‌های جاده‌ای، نبود تجهیزات بسته‌بندی مناسب و انبارداری بیان کرده است.

براساس مطالب بیان شده، پژوهش‌های مختلف به صورت‌های متفاوتی چالش‌های موجود در زنجیره ارزش را مورد بررسی قرار داده‌اند، این موضوع بیانگر آن است که مناطق مختلف مشکلات و چالش‌های مختص به خود را از لحاظ نوع محصول و نوع منطقه‌ای که مورد پژوهش واقع شده است، را دارند، لذا بررسی چالش‌های موجود در هر منطقه برای تعیین سیاست‌های خاص آن منطقه دارای اهمیت می‌باشد. با توجه به اینکه محصول انگور از لحاظ سطح زیرکشت، تولید و منبع کسب و کار و شغل در کشور، بویژه استان آذربایجان غربی، از اهمیت بالایی برخوردار است شناخت و تحلیل زنجیره ارزش انگور ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، هدف این پژوهش شناخت چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مراحل قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید انگور در این استان است.

زنجیره ارزش فقط رابطه بین کشاورزان و خریداران را مورد توجه قرار نمی‌دهد، بلکه کل زنجیره ارزش از تولیدکننده تا مصرف‌کننده (تولیدکنندگان، معامله‌گران، فرآوری‌کنندگان، و خرده‌فروشان) از جمله مراحل قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید را در برمی‌گیرد (Birachi et al., 2013; Devaux et al., 2016). به عبارت دیگر زنجیره ارزش مختصری از توالی ارتباط عاملان و بازاریانی است که نهاده‌ها و خدمات را به سمت تولید محصولات با خواص مشتری‌پسند و مصرف‌کنندگان تغییر و دگرگون می‌سازد (Devaux et al., 2016). توسعه و مداخلات زنجیره ارزش هر مرحله در زنجیره همچنین کل حامیان متنوع زنجیره، و زمینه‌هایی همچون مقررات، اقتصاد کلی را در نظر می‌گیرد و فرصت‌هایی را برای تولیدکنندگان و خرده‌مالکان به منظور مواجه شدن با چالش‌های متعدد خلق می‌کنند (Birachi et al., 2013; Devaux et al., 2016). زنجیره ارزش منجر به افزایش بهره‌وری و انعطاف‌پذیری بازار می‌شود، که بهره‌وری بالاتر، درآمد و نوآوری بهتری را به دنبال خواهد داشت (Ros-Tonen, Van Leynseele, Laven, & Sunderland, 2015). مبینی (۱۳۹۷) در پژوهش خود مشکلات زنجیره ارزش باغبانی را شامل، سیاست‌گذاری دولت و پشتیبانی موسسه‌های مردم نهاد، حمل و نقل، لجستیک و انبارداری بیان می‌کند. کرباسی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود چالش‌های زنجیره ارزش زعفران در بازارهای صادراتی را شامل عدم توانایی در قیمت‌گذاری زعفران در بازارهای خارجی، عدم توجه به مصارف مختلف زعفران متناسب با بازارهای هدف، شناخته نبودن برند ایرانی در بازارهای جهانی و سهم کم ایران از ارزش‌افزوده حاصل از فرآوری این محصول بیان کرده‌اند.

اشفاق^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود در رابطه با چالش‌های موجود در تولید و بازاریابی مرکبات نشان دادند عواملی مانند کیفیت کود، سموم و بذر، تغییرات آب و هوایی، هزینه بالای تولید و عملکرد نیروی کار کشاورزی، عوامل بازاریابی مانند بسته بندی، سورتینگ کردن، ذخیره‌سازی از چالش‌های مهم در در زنجیره محصولات مرکبات می‌باشند. نتایج پژوهش ژائو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) چالش‌های موجود در زنجیره ارزش محصولات غذایی را شامل، ظرفیت‌های انبارداری/ذخیره‌سازی، مشکلات هزینه‌های زیاد و آیین نامه‌ها

³ Minot & Sawyer

⁴ Nyaoga & Magutu

⁵ Hammad

⁶ Siddique

¹ Ashfaq

² Zhao

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در استان آذربایجان غربی است. که در این راستا برخی اهداف اختصاصی مد نظر قرار گرفته است:

- تحلیل چالش‌های موجود در مرحله قبل از تولید انگور در استان آذربایجان غربی؛
- تحلیل چالش‌های موجود در حین تولید انگور در استان آذربایجان غربی؛
- تحلیل چالش‌های موجود در پس از تولید انگور در استان آذربایجان غربی.

روش پژوهش

روش‌های کیفی مختلفی وجود دارد که افراد در مطالعات پژوهشی خود می‌توانند آنها را به کار ببرند، یک روش برجسته در این زمینه تئوری بنیانی می‌باشد. تئوری بنیانی در اوایل دهه ۱۹۶۰ توسط گلاسر و استراوس توسعه یافته است

(Evans, 2014; Hussein et al., 2014) تئوری بنیانی روی تولید یا توسعه یک تئوری تمرکز دارد. این تئوری روی داده‌هایی که به طور سیستماتیک جمع‌آوری شده و از طریق فرایند پژوهش تجزیه و تحلیل شده پایه‌گذاری می‌شود. در طول تحقیق یک تعامل پی‌درپی بین جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها وجود دارد که به سمت ساخت تئوری حرکت می‌کند (Glaser, Strauss, & Strutzel, Durbarry, 2017) هدف عمده تئوری بنیانی تبیین یک پدیده از طریق شناخت مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌های آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر درون بستر و فرایند آن پدیده است (Glaser et al., 1968) از این رو روش مهمی برای مطالعاتی با ماهیت اجتماعی می‌باشد (Jones & Alony, 2011) این پژوهش به منظور بررسی این سوال است که چه چالش‌هایی در زنجیره ارزش انگور وجود دارد؟ در این پژوهش از تئوری بنیانی کلاسیک استفاده شده است. در تئوری بنیانی داده‌ها در پژوهش از طریق منابع مختلفی چون مصاحبه، مشاهده، و مطالعه اسناد و مدارک بدست می‌آید (Jones & Alony, 2011) پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است، برای گردآوری داده‌ها از ارزیابی مشارکتی روستایی از طریق مصاحبه‌های عمیق فردی و گروهی، مشاهده مستقیم و مطالعه اسناد و مدارک استفاده شد. لازم به ذکر است که مشارکت کنندگان این پژوهش شامل انگورکاران استان

آذربایجان غربی در دو شهرستان ارومیه و میاندوآب و مروجان و محققان در این شهرستان‌ها بودند که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه با سه نفر از محققان انگور فعال در مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان غربی انجام شد. سپس با ۸ نفر از مروجان و ۱۵ نفر از کشاورزان شهرستان‌های ارومیه و میاندوآب مصاحبه انجام شد که پس از بدست آمدن اشباع تئوریک مصاحبه‌ها متوقف گردیدند. لازم به ذکر است که برای هر کدام از مصاحبه‌ها به طور متوسط ۶۰ دقیقه زمان صرف شد. به منظور تایید روایی و پایایی داده‌ها از طریق یادداشت‌برداری دقیق در طی گردآوری داده‌ها انجام شد. جهت دستیابی به این هدف، موارد مهم در حین مصاحبه با محققان، مروجان و کشاورزان ثبت، ضبط و یادداشت‌برداری شدند. به طوری که امکان مرور مجدد مصاحبه‌ها و یادداشت‌برداری دقیق اطلاعات را فراهم می‌کرد، نتایج حاصل از مصاحبه‌ها از طریق تشکیل گروه‌های متمرکز و تکرار مطالب مفاهیم توسط مصاحبه‌شوندگان مورد تایید قرار گرفتند که دلیل بر پایایی مناسب داده‌های گردآوری شده بود. اگرچه فرایند تحلیل داده‌های در پژوهش کیفی به صورت تحلیل‌های ذهنی انجام می‌گیرد و نرم افزار نمی‌تواند جایگزین آن شود، ولی با استفاده از نرم‌افزارهای کیفی می‌توان زمانی که حجم داده‌ها زیاد است، استفاده نمود (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰). لذا در این پژوهش از نرم افزار مکس کیودا برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های میدانی به منظور سرعت، دقت و سهولت بیشتر استفاده شد. در نهایت مطالب گردآوری شده حاصل از مصاحبه‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. مراحل اصلی تحلیل به شرح زیر آمده است:

مرحله اول: کدگذاری باز مصاحبه‌ها

مرحله دوم: استخراج مفاهیم در کدگذاری باز (یافتن چالش و نگرانی اصلی مشارکت کنندگان)

مرحله سوم: کدگذاری محوری (استخراج و نامگذاری مقوله‌های اصلی)

مرحله چهارم: کدگذاری انتخابی

مرحله پنجم: کدگذاری نظری

در بخش نتایج و بحث مراحل انجام شده از طریق نرم‌افزار به تفکیک توضیح داده شده‌اند.

یافته‌ها

الف) ویژگی‌های مشارکت کنندگان و پرسش‌ها

تحلیل ویژگی‌های مشارکت کنندگان نشان داد که در بین محققان همه پاسخگویان مرد و سطح تحصیلات آنها مقطع دکترا می‌باشد و میانگین سنی آنها ۴۶ سال بود. پاسخگویان کارشناس از لحاظ جنسیت ۶۲ درصد آنها مرد و ۳۷ درصد زن بودند. تحصیلات ۲۵ درصد آنها کارشناسی، ۶۲ درصد کارشناسی ارشد و ۱۲ درصد دکترا بود. میانگین سنی آنها ۴۵ سال با انحراف معیار ۴/۷ می‌باشد. پاسخگویان کشاورز از لحاظ جنسیت مرد بودند. از لحاظ سطح تحصیلات ۲۰ درصد بی‌سواد، ۲۶/۷ درصد ابتدایی، ۳۳/۳ درصد دیپلم، ۶/۷ درصد فوق دیپلم، ۱۳/۳ درصد کارشناسی بودند. میانگین سن کشاورزان در پژوهش حدود ۵۷ سال با انحراف معیار ۱۰/۵۸ بوده است

به منظور شناخت شاخص‌های سنجش چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در شهرستان‌های ارومیه و میاندوآب، چند پرسش کلی در مرحله قبل، حین و پس از تولید انگور مطرح شد:

- پرسش‌های مرحله قبل از تولید انگور: چه مسایل و مشکلاتی در تامین یا دسترسی به نهاده‌های فیزیکی وجود دارد؟ چه مسایل و مشکلاتی در تامین یا دسترسی به منابع مالی وجود دارد؟
- پرسش‌های مرحله حین تولید انگور: چه مسایل و مشکلاتی در اقدامات فنی تولید انگور وجود دارد؟ چه مشکلاتی در بیمه انگور وجود دارد؟ چه مشکلاتی در خدمات رسانی به تولیدکنندگان وجود دارد؟
- پرسش‌های مرحله پس از تولید انگور: چه مسایل و مشکلاتی در تامین یا دسترسی به منابع مالی برای بسته بندی، فرآوری، فروش و انبارداری دارید؟ چه مسایل و مشکلاتی در تامین یا دسترسی به ابزارها و نهاده‌های فیزیکی برای بسته‌بندی، فرآوری، فروش و انبارداری دارید؟ چه مشکلات مهمی در برداشت و بسته بندی وجود دارد؟ چه مشکلات مهمی در فرآوری وجود دارد؟ چه مشکلات مهمی در فروش وجود دارد؟ چه مشکلات مهمی در انبارداری و حمل و نقل وجود دارد؟

در هر مرحله از پژوهش داده‌های جمع آوری شده در قالب یادداشت‌های میدانی و نوارهای ضبط شده ثبت شدند. سپس در نرم افزار Word پیاده‌سازی و پس از بررسی خط به خط متن مصاحبه‌ها، جمله‌های مرتبط با پرسش‌های پژوهش شناسایی و مشخص شدند، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه بنیانی کلاسیک در قالب ۶ مرحله (کدگذاری باز، یافتن چالش و نگرانی اصلی مشارکت کنندگان، استخراج و نامگذاری مقوله‌های اصلی، کدگذاری انتخابی، کدگذاری نظری و کدگذاری محوری و ترسیم نقشه مفهومی و مدل‌ها) در محیط نرم افزار مکس کیودا نسخه ۱۲ انجام گرفت و خروجی حاصل از آن در جداول و اشکال زیر ارائه شده است.

ب) کدگذاری و استخراج مفاهیم

مرحله اول (کدگذاری باز): همانگونه که در بخش مواد و روش‌ها بیان شد اولین مرحله در تئوری بنیانی، کدگذاری باز می‌باشد، پس از جمع آوری اطلاعات از جامعه مورد مطالعه، اقدام به بررسی مصاحبه‌ها و یادداشت برداری‌ها گردید. با توجه به اینکه زبان اصلی مصاحبه شوندگان ترکی (آذری) بود، مصاحبه‌ها توسط تیم پژوهش به زبان فارسی برگردانده شد و متن مصاحبه به صورت نوشتار درآمد. بعد از ترجمه مصاحبه‌ها اقدام به جدا کردن و مرزبندی داده‌ها به بخش‌های کوچکتر و قابل سازماندهی مدیریت و بازیابی شد. در طی فرایند تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز، با استفاده از نرم افزار مکس کیودا واحدهای معنی مرتبط با چالش‌های زنجیره ارزش انگور، به صورت جملات یا مفاهیمی از بیانات و متون مصاحبه‌ها مشخص شد. به این ترتیب تعداد ۴۲ مولفه یا مفهوم برای شناسایی چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مرحله قبل از تولید انگور، ۳۴ مولفه یا مفهوم برای تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مرحله حین تولید انگور، ۵۱ مولفه یا مفهوم برای تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مرحله پس از تولید انگور در جامعه مورد مطالعه در نتیجه کدگذاری باز استخراج شد. نتایج خروجی در جداول ۱، ۲ و ۳ ارائه شده است

مرحله دوم (یافتن چالش و نگرانی اصلی مشارکت کنندگان): در تئوری بنیانی پژوهشگران چالش و نگرانی افراد را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند و راه حلی برای این نگرانی

زنجیره ارزش انگور از دید جامعه مشارکت کننده (کشاورزان، کارشناسان جهاد کشاورزی و محققان) ذکر شد. در این میان ۴۲ مفهوم برای شناسایی چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مرحله قبل از تولید انگور، ۳۴ مولفه یا مفهوم برای تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مرحله حین تولید انگور، ۵۱ مولفه یا مفهوم برای تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در مرحله پس از تولید انگور در جامعه مورد مطالعه در محیط نرم افزار مکس کیودا انجام شد (جدول‌های ۱، ۲ و ۳).

شناسایی می‌کنند (Jefferies, 2015). در پژوهش حاضر نگرانی اصلی مشارکت کنندگان، مشکلات مربوط به زنجیره ارزش تولید انگور بود که در قالب مفاهیم استخراج شدند. پس از چندین بار مرور، مفاهیم مشابه و بدون ارتباط با موضوع پژوهش حذف شدند. در مصاحبه‌های بعدی اگر قسمتی از متن مربوط به مفاهیمی بودند که قبلاً تعریف شده بود، آن قسمت به موارد مربوطه انتقال داده می‌شدند و بر تعداد فراوانی آن مفهوم اضافه می‌شد. حاصل مرحله کدگذاری باز و مفهوم‌سازی، شناسایی ۱۲۷ مفهوم برای چالش‌های موجود در

جدول ۱- مفهوم‌سازی چالش‌های مرحله قبل از تولید انگور (کدگذاری باز)

ردیف	نشانه‌ها (کدگذاری باز) / مفاهیم	کشاورز	کارشناس	محقق
۱	مشکل دسترسی به فروشگاههای تامین سم، کود، نهال و غیره	۱۱	۲	-
۲	نبود امکانات در شناسایی تقلبی نبودن کودهای شیمیایی یا سموم	۱۲	۵	۲
۳	عدم نظارت کافی دولت/جهادکشاورزی بر سموم و کودهای شیمیایی	۷	۳	۱
۴	عدم وجود مقررات و قوانین در زمینه نظارت بر کیفیت کودهای موجود در بازار	۷	۵	۱
۵	عدم وجود مقررات و قوانین در زمینه نظارت بر کیفیت سموم موجود در بازار	۸	۶	۲
۶	نبود مکانی مطمئن و قابل اعتماد برای تهیه کودهایی باکیفیت مناسب	۱۲	۴	-
۷	نبود مکانی مطمئن و قابل اعتماد برای تهیه سموم با کیفیت مناسب	۱۳	۴	۱
۸	عدم دسترسی کافی به اطلاعات و دانش به روز در مورد نهاده‌ها از طریق ترویج کشاورزی	۳	-	-
۹	عدم دسترسی کافی به دانش به روز در مورد بافت خاک باغات از طریق ترویج کشاورزی	۳	-	-
۱۰	انحصاری بودن واردات و توزیع اولیه نهاده‌ها	۳	۱	-
۱۱	بی‌اعتمادی به اطلاعات مربوط به نهاده‌ها در بازار و بخش خصوصی	۸	۲	۱
۱۲	عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نهال‌های سالم و عاری از بیماری	۶	۶	۳
۱۳	عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نوع کود مصرفی مناسب	۱۲	۷	۳
۱۴	عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نوع سموم مصرفی	۱۲	۷	۳
۱۵	عدم دانش و آگاهی در مورد نوع هرس صحیح	۵	۶	۲
۱۶	حضور واسطه‌های فراوان و در مواقعی انحصاری در تامین نهاده‌ها	۵	۲	-
۱۷	قدرت چانه‌زنی کم باغدار در تهیه نهاده‌ها به صورت فردی	۴	۲	-
۱۸	عدم وجود یک تشکل قوی در روستا یا دهستان برای تامین نهاده‌های با کیفیت و با قیمت مناسب	۸	۵	۱
۱۹	افزایش هزینه‌های نهاده‌های شیمیایی و ماشین‌آلاتی به دلیل مسایل ارزی و بین‌المللی	۱۱	۵	۲
۲۰	افزایش هزینه نهاده‌های شیمیایی و ماشین‌آلات به دلیل حذف یارانه‌های (کمک‌های) دولت	۶	۲	-
۲۱	عدم دسترسی مناسب به تسهیلات بانکی کوتاه مدت و بلند مدت برای تهیه نهاده‌ها	۷	۱	-
۲۲	پوشش ضعیف بیمه یا عدم پاسخگویی مناسب در هنگامی که باغداران دچار خسارت می‌شوند	۱۱	۴	۱
۲۳	عدم توان مالی برای تهیه نهاده‌های شیمیایی	۱۱	۳	۱
۲۴	عدم توان مالی برای اجرای آزمایش خاک در باغات	۶	۶	-
۲۵	نامناسب بوده جاده‌ها	۷	۴	-
۲۶	نامطمئن بودن کیفیت کودها و سموم مصرفی در بازار	۱۳	۶	۲
۲۷	نبود باغ مادر برای تهیه نهال سال	۳	۲	۲
۲۸	عدم دسترسی به ارقام مناسب برای تولید انگور تازه بازار پسند	۴	۳	۲
۲۹	عدم دسترسی به ارقام مناسب برای تولید کشمش مناسب و بازار پسند	۷	۴	۱
۳۰	عدم دسترسی به کودهای شیمیایی و با قیمت معقول	۱۱	۶	۱

۳۱	بی‌اعتمادی به اطلاعات مربوط به نهاده‌ها در بازار و بخش خصوصی	۵	-	-
۳۲	بالا بودن قیمت نهاده‌های غیرشیمیایی مانند کودهای دامی یا زیستی	۴	-	-
۳۳	عدم توانایی مالی کشاورزان در تامین تجهیزات آبیاری جدید با قیمت مناسب	۹	۶	۲
۳۴	عدم توان مالی برای تهیه وسایل و تجهیزات کودپاشی، هرس، سم پاشی و غیره	۸	۵	۲
۳۵	خرده مالکی و قطعه قطعه بودن اراضی باغات	۴	۶	۲
۳۶	عدم وجود انبار مناسب برای نگهداری نهاده‌ها	۳	-	-
۳۷	عدم وجود تجهیزات حمل و نقل نهاده‌ها	۲	-	-
۳۸	عدم دسترسی به ارقام مناسب برای تولید آب انگور، تهیه سرکه یا شیره انگور	۷	۳	۱
۳۹	عدم دسترسی به ارقام با عملکرد بالا	۹	۳	۲
۴۰	عدم دسترسی به سموم شیمیایی با کیفیت و باقیمت مناسب	۱۱	۶	۲
۴۱	عدم دسترسی به ابزار، وسایل، مواد و روش‌های غیرشیمیایی مبارزه با آفات	۱۰	۵	۲
۴۲	عدم دسترسی به کودهای غیرشیمیایی و با قیمت معقول	۱۰	۶	۱

جدول ۲- مفهوم سازی چالش‌های مرحله حین تولید انگور (کدگذاری باز)

ردیف	نشانه‌ها (کدگذاری باز)	کشاورز	کارشناس	محقق
۱	عدم دسترسی به اطلاعات لازم و به روز در تولید انگور (آبیاری، کنترل آفات، تغذیه، هرس و غیره)	۵	۳	۲
۲	کمبود دانش و تجربه کارشناسان و مروجان کشاورزی مراکز جهادکشاورزی	۶	۲	۱
۳	عدم دسترسی به دانش و اطلاعات کارشناسان و مروجان کشاورزی مراکز جهادکشاورزی	۴	-	۱
۴	کمبود کارشناسان و متخصصان با تجربه در زمینه مدیریت باغات انگور	۱۱	۲	۱
۵	عدم وجود قوانین و مقررات شفاف در زمینه مصرف نوع کود و مقدار آن در باغات	۴	-	۱
۶	بی‌اعتمادی به کیفیت کودهای سهمیه‌ای ارائه شده در مراکز خدمات	۱۱	۲	-
۷	کمبود دانش و تجربه کارشناسان کلینیک گیاه پزشکی و شرکت‌های خصوصی خدمات مهندسی کشاورزی	۹	۵	۲
۸	کمبود دانش و تجربه یا نامناسب بودن اطلاعات محققان کشاورزی	-	۲	-
۹	عدم دسترسی به دانش و اطلاعات محققان کشاورزی	۳	۲	-
۱۰	راندمان پایین آبیاری و هدر رفت آب در باغات	۳	۷	۲
۱۱	کمبود محققان کشاورزی در زمینه باغات انگور	۷	۶	۳
۱۲	مصرف بی‌رویه سموم در باغات	۷	۵	۲
۱۳	مصرف بیشتر از حد لزوم کودها و آفت کش‌ها در باغات	۷	۶	۲
۱۴	کمبود نیروی کار خانواده برای فعالیت‌هایی مانند پابیل زدن مزرعه، هرس، حذف علف‌های هرز، آبیاری و غیره	۶	-	-
۱۵	بالا بودن قیمت تامین نیروی کارگر مورد نیاز در مراحل مختلف	۷	۳	-
۱۶	بالا بودن هزینه برای بکارگیری هرس کار در باغ	۷	-	-
۱۷	هزینه‌ی تمام شده بالای تولید	۱۲	۵	۲
۱۸	عدم توان مالی کافی در تامین نیروی کار فعالیت‌ها	۱۱	۳	-
۱۹	شیوع آفات انگور مانند کرم خوشه خوار و زجره مو	۷	۴	۱
۲۰	عدم دسترسی به تجهیزات مناسب لازم برای آبیاری باغات	۶	۳	۲
۲۱	عدم دانش و آگاهی در مورد نوع کود مصرفی مناسب و مقدار و طریقه مصرف آن	۶	۳	۲
۲۲	عدم دانش و آگاهی در مورد نوع سموم مصرفی مناسب و مقدار و طریقه مصرف آن	۹	۵	۲
۲۳	عدم دانش و آگاهی در مورد اجرای هرس صحیح	۶	۵	۱
۲۴	هرس نامناسب در باغات	۷	۶	۲
۲۵	تغذیه نامناسب در باغات	۷	۵	۲
۲۶	مصرف نامناسب و غیراستاندارد هورمون جیبرلین	۸	۸	۳
۲۷	شیوع بیماری‌های انگور مانند سفیدک انگور یا سرطان انگور	۴	۳	۱
۲۸	علف‌های هرز زیاد در باغات انگور	۹	۵	۲

تحلیل چالش‌های زنجیره ارزش انگور، مطالعه موردی در استان آذربایجان غربی

۲	۵	۹	سرمازدگی درختان انگور در اسفندماه یا بهار	۲۹
۳	۵	۱۱	تغییرات اقلیمی، نوسانات اقلیمی	۳۰
۲	۶	۱۳	عدم دسترسی به هرس کاران با مهارت و حرفه‌ای برای هرس کاری در باغات	۳۱
۱	۳	۸	عدم دسترسی به موقع به آب برای آبیاری باغات	۳۲
۲	۴	۶	نامناسب بودن محل کشت انگور (بودن باغ کنار جاده و آفات مرتبط با آن)	۳۳
-	۱	۴	عدم دسترسی به تجهیزات مناسب لازم برای کودپاشی و سمپاشی و غیره در باغداری	۳۴

جدول ۳- مفهوم‌سازی چالش‌های مرحله پس از تولید انگور (کدگذاری باز)

ردیف	نشانه‌ها (کدگذاری باز)	کشاورز	کارشناس	محقق
۱	عدم دسترسی به صنایع تبدیلی برای تهیه کشمش در هر منطقه	۱۱	۳	۲
۲	عدم وجود برنامه‌ریزی برای صادرات خارجی و متناسب با نیاز بازار خارج از کشور	۹	۶	۳
۳	نامناسب بودن نظام صادرات در فرآورده‌های انگور	۸	۵	۳
۴	عدم دسترسی به کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی برای تهیه آمیوه در هر منطقه	۶	۳	-
۵	نبود قوانین و مقررات برای تضمین قیمت فروش انگور تازه در بازار	۱۵	۶	۳
۶	نبود قوانین و مقررات برای تضمین قیمت فروش انگور فرآوری شده (کشمش کالیفرنایی و تیزابی) در بازار	۱۲	۶	۳
۷	عدم دسترسی کافی به اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و بازارهای فروش	۱۱	۴	۳
۸	حضور دلالان و واسطه‌های فراوان و فاصله زیاد بین باغدار و مصرف کننده	۷	۳	۲
۹	تقلبی بودن مواد (گوگرد،) مورد نیاز برای تهیه کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۹	۱	-
۱۰	نبود دانش مناسب در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۴	۵	۱
۱۱	کمبود نیروی کار خانواده برای برداشت، بسته بندی و غیره	۵	-	-
۱۲	عدم تعاملات مناسب بین تولید کنندگان و صادر کنندگان انگور تازه	۴	۲	-
۱۳	عدم تعاملات مناسب بین تولید کنندگان و صادر کنندگان کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۵	۳	-
۱۴	بی‌اعتمادی به اطلاعات مربوط به قیمت‌ها در بازار	۵	۴	۱
۱۵	عدم وجود تشکل یا تعاونی قوی در منطقه برای پر کردن جای دلالان و فرآوری محصول	۳	۴	۱
۱۶	اجبار در پیش فروش محصول با قیمت پایین به سلف‌خران به دلیل نیاز مالی خانوار کشاورز	۶	۲	-
۱۷	عدم دسترسی کافی به اطلاعات مربوط به طریقه تهیه صحیح کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۸	۵	۱
۱۸	عدم دسترسی به اطلاعات محققان در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۳	۲	-
۱۹	عدم دسترسی به اطلاعات کارشناسان در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۵	۳	-
۲۰	کمبود تلاش‌های دولت برای بهبود عملیات پس از برداشت انگور	۷	۵	۳
۲۱	عدم دسترسی به سردخانه‌ها و انبارهای مناسب برای انبار داری محصول انگور تازه	۷	۴	۲
۲۲	عدم ارائه اطلاعات در مورد بازار، فرآوری، بسته بندی و غیره توسط کارشناسان ترویج کشاورزی	۱۱	۲	۱
۲۳	بالا بودن شکاف بین قیمت فروش فرآورده در باغ با قیمتی که به دست مصرف کننده می‌رسد	۱۳	۶	۱
۲۴	عدم توان مالی در انبار داری محصول فرآوری شده کشمش کالیفرنایی و تیزابی	۳	-	-
۲۵	هزینه بالای جستجوی بازار و اطلاعات	-	۲	-
۲۶	عدم حمایت کافی دولت از کشاورزان در بازار	۸	۳	۱
۲۷	عدم توان مالی کافی در تامین نیروی کار برای برداشت، بسته بندی و غیره	۵	۲	-
۲۸	نامناسب بودن جاده‌ها برای حمل و نقل	۵	-	-
۲۹	عدم وجود انبار مناسب برای نگهداری محصول تولید شده	۴	۲	۱
۳۰	عدم وجود تجهیزات حمل و نقل محصول تولید شده	۳	۴	-
۳۱	ذخیره‌سازی نامناسب در بارگاه‌ها	۶	۴	۱
۳۲	فرآوری سنتی	۴	۳	-
۳۳	عدم وجود بسته‌بندی مناسب و بهداشتی شیره انگور تولید شده توسط کشاورزان	۳	-	-
۳۴	قدرت چانه زنی کم باغدار در فروش محصول	۷	۱	-

۳۵	ناپایداری قیمت فرآورده های تولیدی انگور	۳	۱	-
۳۶	عدم پرداخت به موقع خسارت و عدم اعتماد باغداران به بیمه	۷	۳	-
۳۷	عدم توان مالی در انبار داری محصول انگور تازه	۶	۳	۱
۳۹	عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی انگور تازه پس از برداشت توسط کشاورزان	۸	۶	۳
۴۰	عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی کشمش تیزابی و کالیفرنایی توسط کشاورزان	۹	۷	۳
۴۱	عدم وجود صنایع تبدیلی برای تهیه کشمش در هر منطقه	۱۲	۵	۲
۴۲	عدم وجود صنایع تبدیلی برای تهیه آیموه در هر منطقه	۶	۳	-
۴۳	عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی سرکه یا آب میوه تولید شده توسط کشاورزان	۳	۱	-
۴۴	عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی شیره انگور کارگاهها یا شرکت های صنایع تبدیلی	۱	۳	-
۴۵	عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی کشمش توسط کارگاهها یا شرکت های صنایع تبدیلی	۳	۴	۱
۴۶	عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی سرکه یا آب میوه کارگاهها یا شرکت های صنایع تبدیلی	-	۳	-
۴۷	عدم توانایی تاثیر بر بازار به دلیل عدم وجود تجهیزات انبارداری مناسب برای نگهداری فرآورده ها	۲	۴	۱
۴۸	بالارفتن هزینه یا افزایش ضایعات به دلیل عدم وجود تجهیزات مناسب حمل و نقل در انتقال به بازار	-	۲	-
۴۹	کمبود سردخانه های مناسب برای نگهداری انگور تازه	۱۰	۴	۳
۵۰	عدم وجود مراکز سورتینگ (جداسازی و طبقه بندی) محصولات برحسب کیفیت و بازاری پسندی	۹	۶	۳
۵۱	پایین بودن قیمت محصول به دلیل نبود ابزار فرآوری مناسب	۹	۵	۲

گرفته در مرحله چهارم بررسی و تحلیل گردیدند و به منظور توسعه روابط مفهومی بین مقوله ها و ارتباط آنها با مطالعات پیشین، معیارهای تحلیلی در اختیار پژوهشگر قرار دادند.

چالش های موجود در مرحله قبل از تولید زنجیره ارزش انگور: در پژوهش حاضر ۷ مقوله مربوط به چالش های قبل از تولید زنجیره ارزش انگور به تفکیک مورد تحلیل قرار گرفته شده است.

۱- چالش های نهادی: از دید مشارکت کنندگان مشکلات نهادی یکی از چالش های موجود در مرحله قبل از تولید زنجیره ارزش انگور می باشد. این نتیجه با مطالعات اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ ژائو و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵) در یک راستا می باشد. از جمله مفاهیم مهم در این مقوله عبارتند از: مشکل دسترسی به فروشگاه های تامین سم، کود، نهال و غیره، نبود امکانات در شناسایی تقلبی نبودن کودهای شیمیایی یا سموم، عدم نظارت کافی دولت/جهاد کشاورزی بر سموم و کودهای شیمیایی، عدم وجود مقررات و قوانین در زمینه نظارت بر کیفیت کودها و سموم موجود در بازار، نبود مکانی مطمئن و قابل اعتماد برای تهیه کودهایی با کیفیت مناسب در بازار (نمودار ۱).

پ) نشانه ها و مقوله های مرتبط با شناخت چالش های موجود در زنجیره ارزش انگور

در این بخش سه مرحله از نظریه بنیادی مطرح شده در قالب نرم افزار مکس کیودا انجام گرفت:

مرحله سوم (کدگذاری محوری): استخراج و نامگذاری مقوله های اصلی: در پژوهش حاضر مقوله اصلی، چالش های موجود در زنجیره ارزش تولید انگور بود.

مرحله چهارم: (کدگذاری انتخابی) استفاده از کدگذاری انتخابی بدین معنی می باشد که پژوهشگر در روند کدگذاری، داده های مربوط به قلمرو تحت بررسی را انتخاب نماید و آن ها را به مقوله های اصلی اضافه نماید. در نتیجه مقوله های اصلی زیادی شکل می گیرد و در نهایت مقوله اصلی به مرحله اشباع می رسد (Jones & Alony, 2011). با استفاده از نرم افزار مکس کیودا در این مرحله و طی کدگذاری انتخابی، کدهای اولیه حاصل از کدگذاری باز طبقه بندی و مقوله بندی گردید. بدین ترتیب آن دسته از مولفه هایی که رابطه نزدیکی با یکدیگر داشتند در یک مقوله اصلی قرار گرفتند. که در نهایت ۷ مقوله اصلی مربوط به چالش های قبل از تولید انگور، ۶ مقوله اصلی مربوط به چالش های حین تولید انگور و ۶ مقوله اصلی مربوط به چالش های پس از تولید انگور بود.

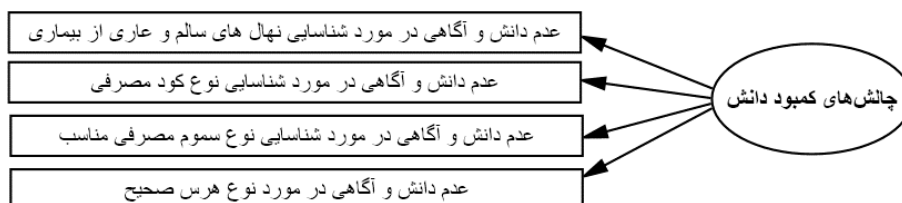
مرحله پنجم: (کدگذاری نظری) در این مرحله به ارتباط بین پدیده ها توجه می شود لذا در این مرحله ۱۹ مقوله شکل



نمودار ۱- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های نهادی موجود در مرحله قبل از تولید در زنجیره ارزش انگور

شناسایی نهال‌های سالم و عاری از بیماری، عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نوع کود مصرفی مناسب، عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نوع سموم مصرفی و عدم دانش و آگاهی در مورد نوع هرس صحیح در بین مشارکت‌کنندگان آشکار می‌باشد (نمودار ۲).

۲- چالش‌های کمبود دانش: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های کمبود دانش به عنوان یک چالش در مرحله قبل از تولید انگور می‌باشد. پژوهشگرانی همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ نیاگو و ماگوتو (۲۰۱۶)؛ گلباز و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی اشاره کرده‌اند. این چالش در قالب عدم دانش و آگاهی در مورد

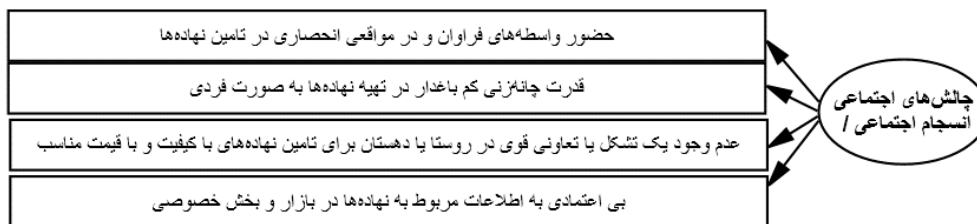


نمودار ۲- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های کمبود دانش در مرحله قبل از تولید در زنجیره ارزش انگور

به صورت فردی، عدم وجود یک تشکل یا تعاونی قوی در روستا یا دهستان برای تامین نهاده‌های با کیفیت و با قیمت مناسب و بی‌اعتمادی به اطلاعات مربوط به نهاده‌ها در بازار و بخش خصوصی از جمله

۳- چالش‌های اجتماعی/انسجام اجتماعی: این مقوله از جمله عمده‌ترین چالش‌های موجود در مرحله قبل از تولید انگور بود. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان حضور واسطه‌های فراوان و در مواقعی انحصاری در تامین نهاده‌ها، قدرت چانه‌زنی کم باغدار در تهیه نهاده‌ها

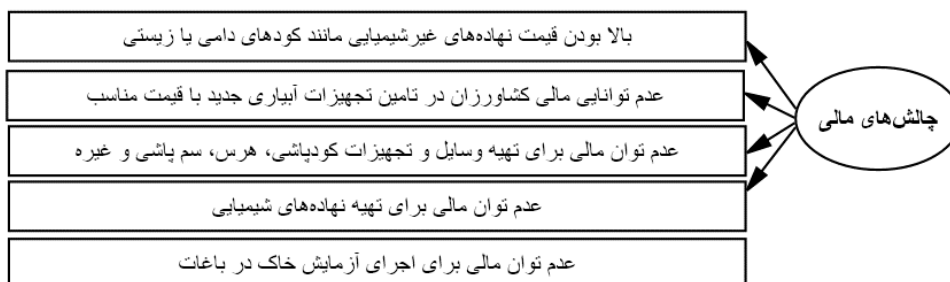
مفاهیمی بودند که برای چالش‌های اجتماعی بیان نموده‌اند (نمودار ۳).



نمودار ۳- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های اجتماعی در مرحله قبل از تولید در زنجیره ارزش انگور

تجهیزات آبیاری جدید با قیمت مناسب، عدم توان مالی برای تهیه وسایل و تجهیزات کودپاشی، هرس، سم پاشی و غیره، عدم توان مالی برای تهیه نهاده‌های شیمیایی و عدم توان مالی برای اجرای آزمایش خاک در باغات از جمله مشکلات مالی می‌باشند که مشارکت‌کنندگان به عنوان چالش‌های موجود در مرحله قبل از تولید انگور در زنجیره ارزش به آن اشاره داشته‌اند.

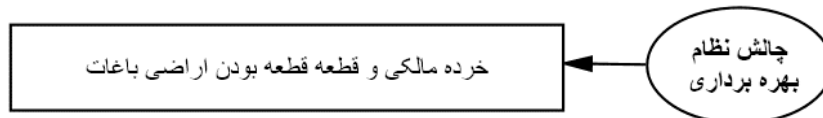
۴- چالش‌های مالی: نتایج حاصل از پژوهش نشان از مشکل قابلیت‌های مالی در مرحله قبل از تولید انگور دارد. پژوهشگرانی همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ ژائو و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافتند. لذا از دید مشارکت‌کنندگان بالا بودن قیمت نهاده‌های غیرشیمیایی مانند کودهای دامی یا زیستی، عدم توانایی مالی کشاورزان در تامین تجهیزات آبیاری جدید با قیمت مناسب، عدم توان مالی برای تهیه وسایل و تجهیزات کودپاشی، هرس، سم پاشی و غیره، عدم توان مالی برای تهیه نهاده‌های شیمیایی و عدم توان مالی برای اجرای آزمایش خاک در باغات



نمودار ۴- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های مالی در مرحله قبل از تولید در زنجیره ارزش انگور

جمله چالش موجود در مرحله قبل از تولید انگور در زنجیره ارزش بود (نمودار ۵).

۵- چالش نظام بهره‌برداری: از دیدگاه مشارکت‌کنندگان خرده مالکی و قطعه قطعه بودن اراضی باغات از



نمودار ۵- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله قابلیت‌های طبیعی در مرحله قبل از تولید در زنجیره ارزش انگور

و با چالش‌هایی در این مرحله روبرو می‌باشد. در واقع از دید مشارکت‌کنندگان عدم وجود انبار مناسب برای نگهداری نهاده‌ها، عدم وجود تجهیزات

۶- چالش‌های زیرساخت‌های فیزیکی: از دید مشارکت‌کنندگان زنجیره ارزش انگور در مرحله قبل از تولید دارای زیرساخت‌های فیزیکی مناسبی نیست

دارد. در این راستا یزدان پناه و رحیمی فیض آباد (۱۳۹۸) در پژوهش خود به روز نبودن دانش فنی و فردی کارشناسان جهاد کشاورزی را از لحاظ تجربه پایین کارکنان میدانی، اعتماد به نفس پایین کارشناسان، فقدان انگیزه، به روز نبودن علم کارکنان، عدم استقبال و عدم اعتماد کشاورزان به مروجان، و همچنین عدم توجه مروجان به رفتارهای کشاورزان و انجام فعالیت‌های خود در این راستا مورد تحلیل قرار داده است که با نتایج این بخش از پژوهش در یک راستا می‌باشد.

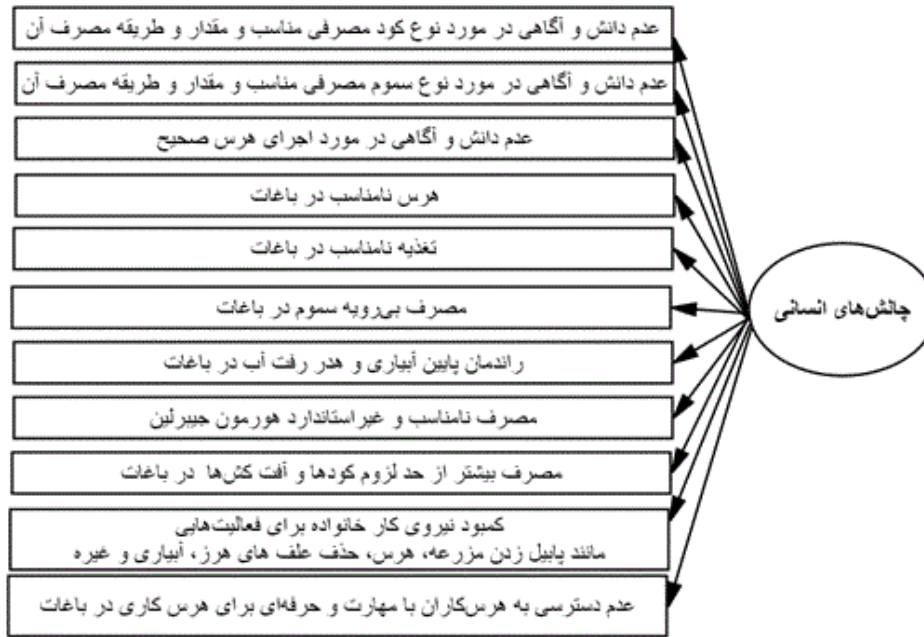
شرکت‌های خصوصی خدمات مهندسی کشاورزی، عدم دسترسی به دانش و اطلاعات کارشناسان و مروجان کشاورزی مراکز جهاد کشاورزی، کمبود کارشناسان و متخصصان با تجربه در زمینه مدیریت باغات انگور، کمبود دانش و تجربه کارشناسان و مروجان کشاورزی مراکز جهاد کشاورزی، عدم دسترسی به دانش و اطلاعات محققان کشاورزی، عدم وجود قوانین و مقررات شفاف در زمینه مصرف نوع سموم و مقدار آن در باغات و بی‌اعتمادی به کیفیت کودهای سهمیه‌ای ارائه شده در مراکز خدمات از جمله چالش‌های نهادی هستند که از نظر مشارکت‌کنندگان در مرحله حین تولید انگور وجود



نمودار ۸- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های نهادی در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور

مصرفی مناسب و مقدار و طریقه مصرف آن، عدم دانش و آگاهی در مورد نوع سموم مصرفی مناسب و مقدار و طریقه مصرف آن، عدم دانش و آگاهی در مورد اجرای هرس صحیح، هرس نامناسب در باغات، تغذیه نامناسب در باغات، مصرف بی‌رویه سموم در باغات، راندمان پایین آبیاری و هدر رفت آب در باغات، مصرف نامناسب و غیراستاندارد هورمون جیبرلین و کمبود نیروی کار خانواده برای فعالیت‌هایی مانند پابیل زدن مزرعه، هرس، حذف علف‌های هرز، آبیاری و غیره اشاره داشتند.

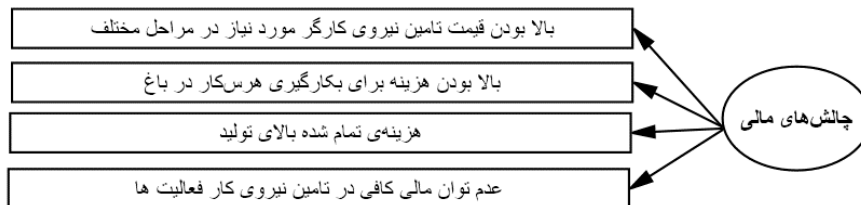
۲- چالش‌های انسانی: با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش، چالش‌های انسانی (دانش، مهارت و نیروی جسمانی) به عنوان یکی از عمده‌ترین مقوله‌های چالشی حین تولید انگور شناسایی شده است که مورد تاکید بیراچی و همکاران (۲۰۱۳)؛ ماکینی و همکاران (۲۰۱۳)؛ لپل و همکاران (۲۰۱۵)؛ گلباز و همکاران (۱۳۹۴)؛ مکی آبادی و همکاران (۱۳۹۵) بوده است. در خصوص ضعف قابلیت‌های انسانی در حین تولید انگور مشارکت‌کنندگان به مواردی همچون، عدم دانش و آگاهی در مورد نوع کود



نمودار ۹- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های انسانی در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور

هرس کار در باغ، هزینه‌ی تمام شده بالای تولید و عدم توان مالی کافی در تامین نیروی کار فعالیت‌ها از جمله مشکلات مالی می‌باشند که در مرحله حین تولید انگور وجود دارد. این نتایج با یافته‌های اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵) در یک راستا می‌باشد.

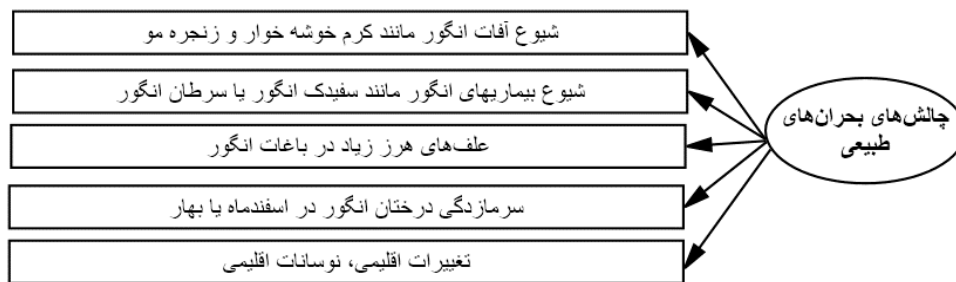
۳- چالش‌های مالی: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان از مشکلات موجود در قابلیت‌های مالی به عنوان یکی از چالش‌های موجود در مرحله حین تولید انگور دارد. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، بالا بودن قیمت تامین نیروی کارگر مورد نیاز در مراحل مختلف تولید، بالا بودن هزینه برای بکارگیری



نمودار ۱۰- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های مالی در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور

انگور، علف‌های هرز زیاد در باغات انگور، سرمازدگی درختان انگور در اسفندماه یا بهار و تغییرات اقلیمی، نوسانات اقلیمی از جمله مشکلاتی هستند که در مرحله حین تولید انگور کشاورزان با آنها مواجه می‌باشند.

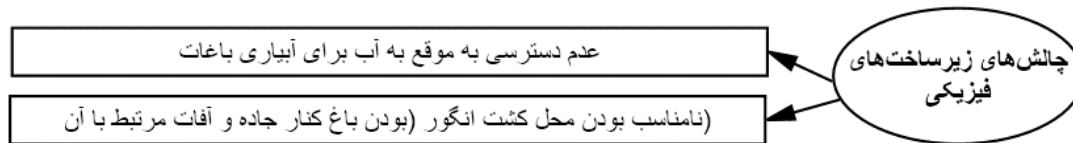
۴- چالش‌های بحران‌های طبیعی: با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، بحران‌های طبیعی از جمله چالش‌های موجود در مرحله حین تولید انگور در زنجیره ارزش می‌باشد. در این راستا، شیوع آفات انگور مانند کرم خوشه‌خوار و زنجره مو، شیوع بیماری‌های انگور مانند سفیدک انگور یا سرطان



نمودار ۱۱- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های بحران‌های طبیعی در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور

واقع به اعتقاد مشارکت‌کنندگان در زمان اجرای هرس در باغات افرادی که برای هرس کاری به عنوان هرس کار در روستاها حاضر می‌شوند دانش و مهارت حرفه ای لازم را ندارند و با توجه به این که در بیشتر مواقع خود کشاورزان نیز فاقد این دانش و مهارت هستند؛ لذا هرس کاری اصولی در باغات صورت نمی‌گیرد و در کمیت و کیفیت محصول تولیدی تاثیر نامناسب می‌گذارد.

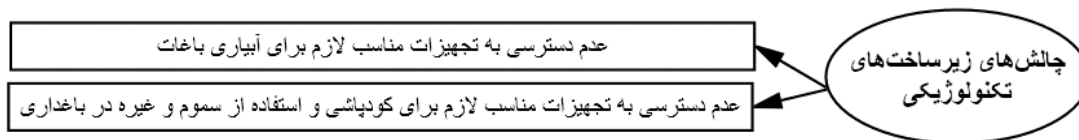
۵- چالش‌های زیرساخت‌های فیزیکی: از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، عدم دسترسی به موقع به آب برای آبیاری باغات، نامناسب بودن محل کشت انگور (بودن باغ کنار جاده و آفات مرتبط با آن) از جمله چالش‌های زیرساختی فیزیکی می‌باشند که کشاورزان در مرحله حین تولید انگور با آن مواجه می‌باشند. این نتایج با یافته‌های مینوت و ساویر (۲۰۱۶)؛ صدیق (۲۰۱۵) در یک راستا می‌باشد.



نمودار ۱۲- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های زیرساخت‌های فیزیکی در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور

تکنولوژیکی مهمی می‌باشد که در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور مشکلاتی را برای کشاورزان به منظور تولید محصولات با کیفیت و بازارپسندتر به ارمغان می‌آورد.

۶- چالش‌های زیرساخت‌های تکنولوژیکی: از دیدگاه مشارکت‌کنندگان عدم دسترسی به تجهیزات مناسب لازم برای آبیاری باغات و عدم دسترسی به تجهیزات مناسب لازم برای کودپاشی و استفاده از سموم و غیره در باغداری جز چالش‌های زیرساختی



نمودار ۱۳- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های زیرساخت‌های تکنولوژیکی در مرحله حین تولید در زنجیره ارزش انگور

(۲۰۱۹)؛ نیازی شهرکی و مبینی (۱۳۹۷)؛ کرباسی و همکاران (۱۳۹۷) بوده است. در خصوص ضعف چالش‌های نهادی در مرحله پس از تولید انگور مشارکت‌کنندگان به مواردی همچون عدم وجود برنامه‌ریزی برای صادرات خارجی و متناسب با نیاز

چالش‌های موجود در مرحله پس از تولید زنجیره ارزش انگور: مقوله‌های مهم مربوط به چالش‌های پس از تولید عبارتند از:

۱- چالش‌های نهادی: مقوله نهادی به عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های مرحله پس از تولید انگور شناسایی شده است. که مورد تاکید ژائو و همکاران

تلاش‌های دولت برای بهبود عملیات پس از برداشت انگور، عدم ارائه اطلاعات در مورد بازار، فراوری، بسته‌بندی و غیره توسط کارشناسان ترویج کشاورزی، بالا بودن شکاف بین قیمت فروش فراورده در باغ با قیمتی که به دست مصرف کننده می‌رسد، حضور دلالتان و واسطه‌های فراوان و فاصله زیاد بین باغدار و مصرف کننده و تقلبی بودن مواد (گوگرد) مورد نیاز برای تهیه کشمش کالیفرنایی و تیزابی اشاره داشتند.

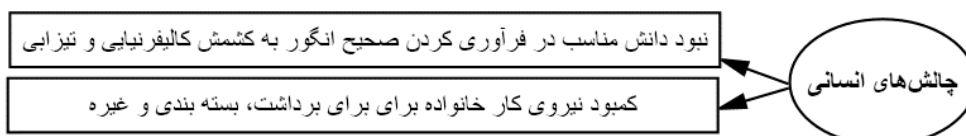
بازار خارج از کشور، نامناسب بودن نظام صادرات در فرآورده‌های انگور، نبود قوانین و مقررات برای تضمین قیمت فروش انگور تازه در بازار، نبود قوانین و مقررات برای تضمین قیمت فروش انگور فرآوری شده (کشمش کالیفرنایی و تیزابی) در بازار، عدم دسترسی کافی به اطلاعات مربوط به طریقه تهیه صحیح کشمش کالیفرنایی و تیزابی، عدم دسترسی به اطلاعات محققان در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی، کمبود اطلاعات کارشناسان در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی، نبود قوانین و مقررات برای تضمین قیمت فروش انگور تازه در بازار، نبود قوانین و مقررات برای تضمین قیمت فروش انگور فرآوری شده (کشمش کالیفرنایی و تیزابی) در بازار، عدم دسترسی کافی به اطلاعات مربوط به طریقه تهیه صحیح کشمش کالیفرنایی و تیزابی، عدم دسترسی به اطلاعات محققان در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی، عدم دسترسی به اطلاعات کارشناسان در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی، کمبود تلاش‌های دولت برای بهبود عملیات پس از برداشت انگور، عدم دسترسی کافی به اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و بازارهای فروش، عدم ارائه اطلاعات در مورد بازار، فراوری، بسته‌بندی و غیره توسط کارشناسان ترویج کشاورزی، بالا بودن شکاف بین قیمت فروش فراورده در باغ با قیمتی که به دست مصرف کننده می‌رسد، حضور دلالتان و واسطه‌های فراوان و فاصله زیاد بین باغدار و مصرف کننده، تقلبی بودن مواد (گوگرد،) مورد نیاز برای تهیه کشمش کالیفرنایی و تیزابی



نمودار ۱۴- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله چالش‌های نهادی در مرحله پس از تولید در زنجیره ارزش انگور

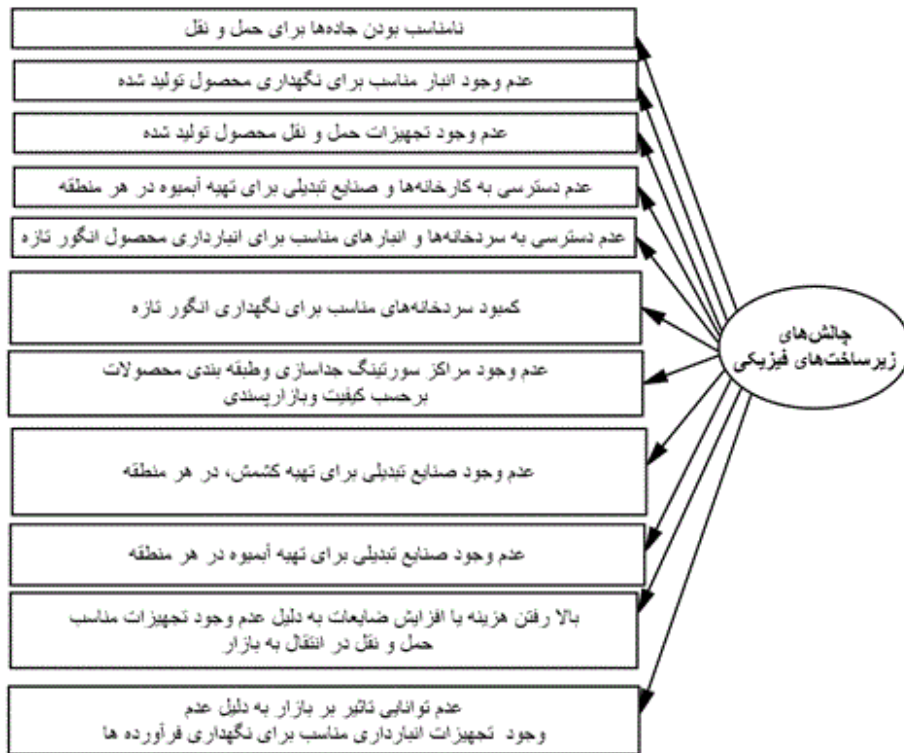
۲۰۱۶؛ نجاتیان (۱۳۸۴) در یک راستا بودند. در واقع به اعتقاد مشارکت‌کنندگان ضعف دانش مناسب در فرآوری انگور که جز قابلیت‌های دانش و مهارت کشاورزان می‌باشد دلیلی بر ناتوانی و چالش در مرحله پس از تولید انگور است که منجر به تولید محصول نامناسب از لحاظ کیفیت و بازارپسندی و در نهایت صادرات آن محصول می‌شود.

۲- چالش‌های انسانی: در ارتباط با مقوله چالش‌های انسانی از (دانش/مهارت و نیروی جسمانی) می‌توان بیان نمود از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، نبود دانش مناسب در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنایی و تیزابی و کمبود نیروی کار خانواده برای برداشت، بسته‌بندی و غیره می‌باشند که کشاورزان در مرحله پس از تولید انگور با آن مواجه بودند. این نتایج با یافته‌های مینوت و ساویر



برای انبارداری محصول انگور تازه، کمبود سردخانه‌های مناسب برای نگهداری انگور تازه، عدم وجود مراکز سورتینگ (جداسازی و طبقه بندی) محصولات برحسب کیفیت و بازاریابی، عدم وجود صنایع تبدیلی برای تهیه (کشمش، آمیوه) در هر منطقه، از چالش‌های زیرساخت‌های فیزیکی مهم در مرحله پس از تولید انگور بودند که با نتایج یافته‌های مینوت و ساویر (۲۰۱۶)؛ صدیق (۲۰۱۵)؛ بیراچی و همکاران (۲۰۱۳) در یک راستا هستند.

۵- چالش‌های زیرساخت فیزیکی: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان از ضعف در زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در مرحله پس از تولید انگور دارد. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان نامناسب بودن جاده‌ها برای حمل و نقل، عدم وجود انبار مناسب برای نگهداری محصول تولید شده، عدم وجود تجهیزات حمل و نقل محصول تولید شده، عدم دسترسی به کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی برای تهیه آمیوه در هر منطقه، عدم دسترسی به سردخانه‌ها و انبارهای مناسب



نمودار ۱۸ - مفاهیم تشکیل دهنده مقوله زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در مرحله پس از تولید در زنجیره ارزش انگور

بارگاه‌ها؛ فرآوری سنتی؛ عدم وجود بسته‌بندی مناسب و بهداشتی انگور تازه پس از برداشت، کشمش تیزابی و کالیفرنایی، شیره انگور تولید شده، سرکه یا آب میوه تولید شده توسط کشاورزان؛ عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی شیره انگور، کشمش، سرکه یا آب میوه توسط کارگاهها یا شرکت‌های صنایع تبدیلی.

۶- چالش‌های زیرساخت‌های تکنولوژیکی: از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، این چالش نیز اهمیت زیادی در زنجیره ارزش انگور دارد. کمبود تکنولوژی مناسب در مرحله پس از تولید انگور در زنجیره ارزش نیز از سوی محققانی همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵)؛ نیازی شهرکی و مبینی (۱۳۹۷)؛ مورد توجه قرار گرفته بود. از جمله مفاهیم مرتبط به این مقوله عبارتند از: ذخیره‌سازی نامناسب در

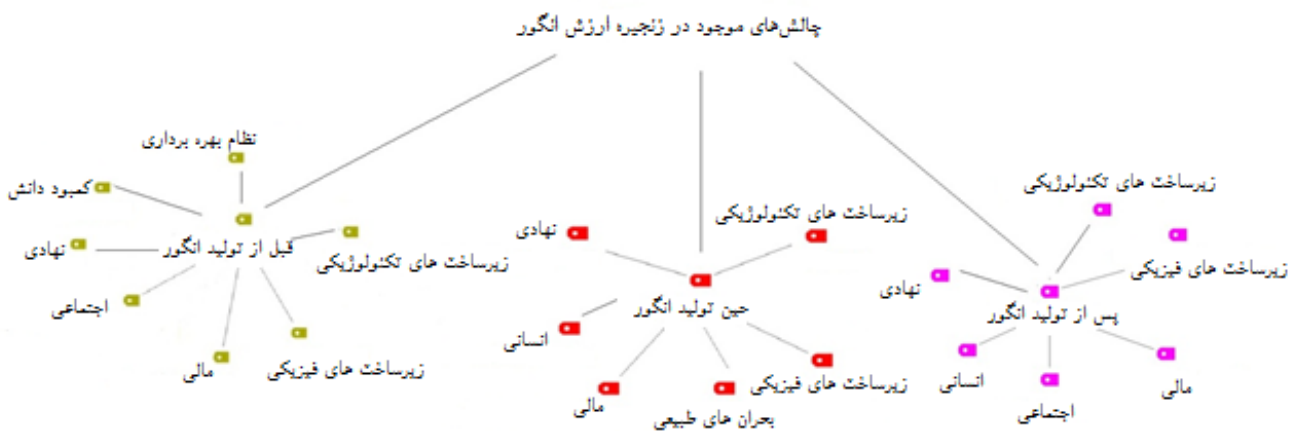


نمودار ۱۹ - مفاهیم تشکیل دهنده مقوله زیرساخت های تکنولوژیکی مناسب در مرحله پس از تولید در زنجیره ارزش انگور

در قالب نرم افزار مکس کیودا تحلیل و ارائه شده است. همانطور که نمودار ۲۰ نشان می دهد، مقوله های اصلی چالش های زنجیره ارزش انگور در استان آذربایجان غربی در مولفه قبل از تولید انگور شامل؛ نهادی، اجتماعی، مالی، کمبود دانش، نظام بهره برداری، زیرساخت های فیزیکی و تکنولوژیکی؛ در مولفه حین تولید انگور شامل نهادی، انسانی، مالی، بحران های طبیعی، زیرساخت های فیزیکی و تکنولوژیکی و در مولفه پس از تولید انگور شامل نهادی، انسانی، اجتماعی، مالی، زیرساخت های فیزیکی و تکنولوژیکی می باشد.

ت) مرحله ششم (کدگذاری محوری و ترسیم نقشه مفهومی و مدل ها)

در کدگذاری محوری به ارتباط بین پدیده ها توجه می شود. لذا، در این مرحله ۱۹ مقوله شکل گرفته در مرحله دوم بررسی گردید و به منظور توسعه روابط مفهومی بین مقوله ها و ارتباط آنها با مطالعات پیشین معیارهای تحلیلی در اختیار قرار گرفت. مدل ها به منظور بیان مفاهیم کلیدی تئوری و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر می باشند. به طوری که مساله اصلی در مرکز مدل قرار می گیرد. در پژوهش حاضر، چالش های موجود در زنجیره ارزش انگور به صورت شکل زیر



نمودار ۲۰ - مولفه ها و مقوله های اصلی چالش های موجود در زنجیره ارزش انگور

بحث و نتیجه گیری

ووکس و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد که بهبود زنجیره ارزش نیاز به انجام اقداماتی دارد که مسایل و چالش‌های موجود در قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید را رفع نمایند. بنابراین بررسی چالش‌های موجود در زنجیره ارزش یک مساله اساسی می‌باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در استان آذربایجان غربی از طریق روش کیفی تئوری بنیانی و با نرم افزار مکس کیودا انجام شد. به منظور دستیابی به این هدف از تئوری بنیانی کلاسیک استفاده شد. در نهایت مدل تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در استان آذربایجان غربی ترسیم گردید. یکی از مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش، ارائه چارچوب و مدلی جامع برای چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور بود.

نتایج این مطالعه کیفی حاکی از آن بود که کشاورزان در زنجیره ارزش انگور با چالش‌های مختلفی در طول زنجیره مواجه هستند. در واقع در این مطالعه، تمامی چالش‌های موجود در زنجیره به صورت یکجا در قالب مراحل قبل از تولید انگور، حین تولید انگور و پس از تولید انگور مورد کنکاش و شناسایی قرار گرفت. و الگویی چند بعدی و جامع برای شناسایی چالش‌های موجود در زنجیره ارزش انگور در استان آذربایجان غربی طراحی و ارائه شد. یافته‌های این پژوهش بر مشکل دسترسی کشاورزان به فروشگاه‌های تامین سم، کود، نهال و نبود امکانات در شناسایی تقلبی نبودن کودهای شیمیایی یا سموم، عدم نظارت کافی دولت/جهادکشاورزی بر سموم و کودهای شیمیایی، عدم وجود مقررات و قوانین در زمینه نظارت بر کیفیت کودها و سموم موجود در بازار، نبود مکانی مطمئن و قابل اعتماد برای تهیه کودهایی با کیفیت مناسب از جمله چالش‌های نهادی به عنوان یک مانع در مرحله قبل از تولید انگور بود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ ژائو و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵) در یک راستا می‌باشد. براساس اظهارات پاسخگویان مورد مطالعه عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نهال‌های سالم و عاری از بیماری، عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نوع کود مصرفی مناسب، عدم دانش و آگاهی در مورد شناسایی نوع سموم مصرفی و عدم دانش و آگاهی در مورد نوع هرس صحیح از چالش‌های جدی کمبود دانش در مرحله قبل از تولید انگور برای آنها مطرح می‌باشد. پژوهشگرانی

کشاورزی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عامل در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور ایران می‌باشد (حسین‌زاده، ۱۳۹۴). در سال‌های گذشته کشاورزی خرده‌پا با استفاده از روشهای سنتی بیشتر به تامین مواد غذایی خود و خانواده‌شان تمرکز داشتند، و شاید مازاد مواد غذایی خود را به فروش می‌رسانند. اخیراً، نگرانی در مورد بازارها برجسته‌تر شده است. کشاورزان معیشتی نه تنها باید غذای خود را تامین کنند بلکه به پول هم نیاز دارند و استدلال می‌شود که کشاورزان ملزم به تولید محصولاتی هستند که قادر به فروش آنها باشند. به طوری که اگر کشاورزان بازاری برای تولیداتشان داشته باشند، آنها انگیزه بیشتری برای افزایش رشد در بخش کشاورزی، و کسب درآمد بالاتر خواهند داشت. این هدف در چرخه‌ای از تولید و عملکرد بیشتر، درآمد بالاتر، استانداردهای زندگی بهتر و سرمایه‌گذاری بیشتری در تولیدات کشاورزی تاثیرگذار خواهد بود (Birachi et al., 2013) در این خصوص، کشاورزان با چالش‌های مختلفی در فرایند زنجیره ارزش شامل قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی مواجه هستند (Birachi et al., 2013; Makini, Kamau, Makelo, & Mburathi, 2013) (رسولی، ۱۳۸۸؛ زارع، ۱۳۸۴؛ صالحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ گلباز و همکاران، ۱۳۹۴؛ ماقبل و همکاران، ۱۳۹۵؛ مکی آبادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نجاتیان، ۱۳۸۵). لذا در این زنجیره ارزش فقط رابطه بین کشاورزان و خریداران مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه کل زنجیره ارزش از تولیدکننده تا مصرف‌کننده (تولیدکنندگان، معامله‌گران، فرآوری‌کنندگان، و خرده‌فروشان) بایستی مد نظر قرار گیرد (Birachi et al., 2013; Devaux et al., 2016) زنجیره ارزش منجر به افزایش بهره‌وری و انعطاف‌پذیری بازار می‌شود، که بهره‌وری بالاتر، درآمد و نوآوری بهتری را به دنبال خواهد داشت (Ros-Tonen, Van Leynseele, Laven, & Sunderland, 2015) پس می‌توان گفت که زنجیره ارزش کشاورزی در مراحل مختلفی از جمله قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید محصولات کشاورزی تشکیل شده است. در کشورهای در حال توسعه کشاورزان با چالش‌های مختلفی در فرایند زنجیره ارزش محصولات مواجه هستند (Makini et al., 2013) مطالعات انجام شده توسط دموت و اندور^۸ (۲۰۱۵)، کادیهون و ایون^۹ (۲۰۱۲)، بنه^{۱۰} (۲۰۱۱)، دی

10 Béné

11 Devaux et al

8 Demont & Ndour

9 Cadilhon & Even

همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ نیاگو و ماگوتو (۲۰۱۶)؛ گلباز و همکاران (۱۳۹۴) نیز بر تاثیر دانش و آگاهی در مرحله قبل از تولید انگور تاکید کرده اند. از دیدگاه مصاحبه شوندهگان در خصوص چالش های موجود زنجیره ارزش انگور، به مفاهیمی اشاره شد که با توجه به قرابت معنایی، این مفاهیم در مقوله چالش زیرساخت های فیزیکی و زیرساخت های تکنولوژیکی و در مضمون کلی چالش های قبل از تولید انگور جای گرفتند. در این راستا نتایج مطالعات پژوهشگرانی نظیر نیاگو و ماگوتو (۲۰۱۶)؛ گلباز و همکاران (۱۳۹۴) این موارد را تایید می کند.

با توجه به نتایج این مطالعه مشخص شد که یکی دیگر از چالش های موجود در مرحله قبل از تولید انگور چالش های اجتماعی/انسجام اجتماعی می باشد در این زمینه حضور واسطه های فراوان و در مواقعی انحصاری در تامین نهاده ها، قدرت چانه زنی کم باغدار در تهیه نهاده ها به صورت فردی، عدم وجود یک تشکل یا تعاونی قوی در روستا یا دهستان برای تامین نهاده های با کیفیت و با قیمت مناسب و بی اعتمادی به اطلاعات مربوط به نهاده ها در بازار و بخش خصوصی از اصلی ترین متغیرها در چالش های اجتماعی بودند که توسط مصاحبه شوندهگان بیان شد. براساس دیدگاه پاسخگویان مورد مطالعه بالا بودن قیمت نهاده های غیرشیمیایی مانند کودهای دامی یا زیستی، عدم توانایی مالی کشاورزان در تامین تجهیزات آبیاری جدید با قیمت مناسب، عدم توان مالی برای تهیه وسایل و تجهیزات کودپاشی، هرس، سم پاشی و غیره، عدم توان مالی برای تهیه نهاده های شیمیایی و عدم توان مالی برای اجرای آزمایش خاک در باغات از چالش های جدی مالی در مرحله قبل از تولید انگور برای آنها مطرح می باشد پژوهشگرانی همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ ژائو و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود بر آن تاکید کرده اند.

عوامل مرتبط با چالش های نهادی به عنوان یک چالش در مرحله حین تولید انگور از دیگر عواملی است که اهمیت آن براساس نتایج این پژوهش مورد تایید قرار گرفت. در این رابطه مصاحبه شوندهگان بیان داشتند که کمبود دانش و تجربه کارشناسان کلینیک گیاه پزشکی و شرکت های خصوصی خدمات مهندسی کشاورزی، عدم دسترسی به دانش و اطلاعات کارشناسان و مروجان کشاورزی مراکز جهاد کشاورزی، کمبود کارشناسان و متخصصان با تجربه در زمینه

مدیریت باغات انگور، کمبود دانش و تجربه کارشناسان و مروجان کشاورزی مراکز جهاد کشاورزی، عدم دسترسی به دانش و اطلاعات محققان کشاورزی، عدم وجود قوانین و مقررات شفاف در زمینه مصرف نوع سموم و مقدار آن در باغات و بی اعتمادی به کیفیت کودهای سهمیه ای ارائه شده در مراکز خدمات از جمله چالش های نهادی بودند که از نظر مصاحبه شوندهگان در مرحله حین تولید انگور وجود داشت. در این راستا یزدان پناه و رحیمی فیض آباد (۱۳۹۸) در پژوهش خود به روز نبودن دانش فنی و فردی کارشناسان جهاد کشاورزی را از لحاظ تجربه پایین کارکنان میدانی، اعتماد به نفس پایین کارشناسان، فقدان انگیزه، به روز نبودن علم کارکنان، عدم استقبال و عدم اعتماد کشاورزان به مروجان، و همچنین عدم توجه مروجان به رفتارهای کشاورزان و انجام فعالیت های خود در این راستا مورد تحلیل قرار داده است که با نتایج این بخش از پژوهش در یک راستا می باشد. براساس دیدگاه پاسخگویان مورد مطالعه ضعف قابلیت های انسانی در مرحله حین تولید انگور همچون، عدم دانش و آگاهی در مورد نوع کود مصرفی مناسب و مقدار و طریقه مصرف آن، عدم دانش و آگاهی در مورد نوع سموم مصرفی مناسب و مقدار و طریقه مصرف آن، عدم دانش و آگاهی در مورد اجرای هرس صحیح، هرس نامناسب در باغات، تغذیه نامناسب در باغات، مصرف بی رویه سموم در باغات، راندمان پایین آبیاری و هدر رفت آب در باغات، مصرف نامناسب و غیراستاندارد هورمون جیبرلین و کمبود نیروی کار خانواده برای فعالیت هایی مانند پاییل زدن مزرعه، هرس، حذف علف های هرز، آبیاری و غیره از چالش های انسانی در مرحله حین تولید انگور برای آنها مطرح می باشد. پژوهشگرانی همچون بیراچی و همکاران (۲۰۱۳)؛ ماکینی و همکاران (۲۰۱۳)؛ لپل و همکاران (۲۰۱۵)؛ گلباز و همکاران (۱۳۹۴)؛ مکی آبادی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود بر آن تاکید کرده اند. از دیدگاه مصاحبه شوندهگان در خصوص چالش های موجود زنجیره ارزش انگور، به مفاهیمی اشاره شد که با توجه به قرابت معنایی، این مفاهیم در مقوله هایی همچون چالش های مالی، بحران های طبیعی، زیرساخت های فیزیکی و زیرساخت های تکنولوژیکی طبقه بندی شدند و در مضمون کلی چالش های حین تولید انگور جای گرفتند. در این راستا نتایج مطالعات محققانی نظیر اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ صدیق (۲۰۱۵)؛ مینوت و ساویر (۲۰۱۶)؛ گلباز و همکاران (۱۳۹۴) این چالش ها را تایید می کند.

براساس دیدگاه پاسخگویان مورد مطالعه، ذخیره‌سازی نامناسب در بارگاه‌ها؛ فرآوری سنتی؛ عدم وجود بسته‌بندی مناسب و بهداشتی انگور تازه پس از برداشت، کشمش تیزابی و کالیفرنمایی، شیره انگور تولید شده، سرکه یا آب میوه تولید شده توسط کشاورزان؛ عدم وجود بسته بندی مناسب و بهداشتی شیره انگور، کشمش، سرکه یا آب میوه توسط کارگاهها یا شرکتهای صنایع تبدیلی از چالش های جدی کمبود تکنولوژی مناسب در مرحله پس از تولید انگور برای آنها مطرح می‌باشد. پژوهشگرانی همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹) صدیق (۲۰۱۵)؛ نیازی شهرکی و مبینی (۱۳۹۷)؛ مورد توجه قرار گرفته بود. نیز بر اهمیت زیرساخت های تکنولوژیکی در مرحله پس از تولید انگور تاکید کرده‌اند. از دیدگاه مصاحبه شوندهگان در خصوص چالش های موجود زنجیره ارزش انگور، به مفاهیمی اشاره شد که با توجه به قرابت معنایی، این مفاهیم در مقوله چالش‌های نهادی و چالش‌های اجتماعی، و در مضمون کلی چالش های پس از تولید انگور جای گرفتند. در این راستا نتایج مطالعات پژوهشگرانی نظیر زائو و همکاران (۲۰۱۹)؛ هامد بدر (۲۰۱۵)؛ نیازی شهرکی و مبینی (۱۳۹۷)؛ کرباسی و همکاران (۱۳۹۷) این عامل را تایید می کند. نتایج مطالعه نشان داد که عدم توان مالی در انبارداری محصول انگور تازه، عدم توان مالی در انبارداری محصول فرآوری شده کشمش کالیفرنمایی و تیزابی، هزینه بالای جستجوی بازار و اطلاعات، عدم حمایت کافی دولت از کشاورزان در بازار و عدم توان مالی کافی در تامین نیروی کار برای برداشت، بسته‌بندی و غیره همواره به عنوان چالش های جدی در مرحله پس از تولید انگور می باشد که در مولفه چالش‌های مالی جای می‌گیرند. پژوهشگرانی همچون اشفاق و همکاران (۲۰۱۹)؛ مینوت و ساویر (۲۰۱۶)؛ نیازی شهرکی و مبینی (۱۳۹۷)؛ نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

با توجه به نتایج این مطالعه مشخص شد که از چالش‌های موجود در مرحله پس از تولید انگور چالش‌های چالش‌های انسانی از (دانش/مهارت و نیروی جسمانی) را می‌توان بیان نمود از دیدگاه مصاحبه شوندهگان، نبود دانش مناسب در فرآوری کردن صحیح انگور به کشمش کالیفرنمایی و تیزابی و کمبود نیروی کار خانواده برای برداشت، بسته‌بندی و غیره می‌باشند که کشاورزان در مرحله پس از تولید انگور با آن مواجه بودند. این نتایج با یافته‌های مینوت و ساویر (۲۰۱۶)؛ نجاتیان (۱۳۸۴) در یک راستا بودند. در واقع به اعتقاد مشارکت‌کنندگان ضعف دانش مناسب در فرآوری انگور که جز قابلیت‌های دانش و مهارت کشاورزان می‌باشد دلیلی بر ناتوانی و چالش در مرحله پس از تولید انگور است که منجر به تولید محصول نامناسب از لحاظ کیفیت و بازارپسندی و در نهایت صادرات آن محصول می‌شود. عوامل مرتبط با چالش زیرساخت‌های فیزیکی به عنوان یک چالش در مرحله پس از تولید انگور از دیگر عواملی است که اهمیت آن براساس نتایج این پژوهش مورد تایید قرار گرفت. در این رابطه مصاحبه شوندهگان اشاره داشتند که نامناسب بودن جاده‌ها برای حمل و نقل، عدم وجود انبار مناسب برای نگهداری محصول تولید شده، عدم وجود تجهیزات حمل و نقل محصول تولید شده، عدم دسترسی به کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی برای تهیه آبمیوه در هر منطقه، عدم دسترسی به سردخانه‌ها و انبارهای مناسب برای انبارداری محصول انگور تازه، کمبود سردخانه‌های مناسب برای نگهداری انگور تازه، عدم وجود مراکز سورتنینگ (جداسازی و طبقه بندی) محصولات برحسب کیفیت و بازارپسندی، عدم وجود صنایع تبدیلی برای تهیه (کشمش، آبمیوه) در هر منطقه، از چالش‌های زیرساخت‌های فیزیکی مهم در مرحله پس از تولید انگور بودند که با نتایج یافته‌های مینوت و ساویر (۲۰۱۶)؛ صدیق (۲۰۱۵)؛ بیراچی و همکاران (۲۰۱۳) در یک راستا هستند.

پیشنهادها

تولید کنستانتره یا آبمیوه انگور از آن‌ها استفاده شود، جایگزین گردد.

۲- پیشنهاد می‌شود که دولت از ایجاد کارگاه‌های بزرگ و کوچک مرتبط با مراکز فرآوری، مراکز بسته بندی، و تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز فرآوری حمایت کند، به طوری که کارگاه‌های فرآوری ایجاد شده دارای فناوری‌های مدرنی باشند که از نظر بهداشتی و از نظر میزان بار

۱- پیشنهاد می‌شود برای حفظ پایداری بازار و فروش و صادرات بهتر محصول تولیدی از کشت تک رقمی پرهیز صورت پذیرد. کشاورزان به تولید ارقام مختلف روی بیاورند نه اینکه ارقام فعلی را حذف کنند بلکه از سطح زیرکشت ارقام فعلی کم کنند و ارقام تازه خوری که بازارپسندی خوبی دارند و می‌تواند برای فرآوری‌های جنبی انگور مثل

و دارای پروانه از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی شهرستان تهیه کنند.

۶- پیشنهاد می شود شرکت خدمات حمایتی کشاورزی بر توزیع سموم و تاریخ مصرف سموم در بازار نظارت بیشتر و جدی داشته باشند.

۷- پیشنهاد می شود نظارت بر توزیع و مصرف به موقع سموم و کودهای شیمیایی برای جلوگیری از بروز پدیده انباشت سموم تاریخ منقضی در انبارها صورت پذیرد.

۸- بیمه محصولات کشاورزی از مهم ترین ابزارهای امیدوارکننده تولیدکنندگان است. اما تاخیر یا عدم پرداخت خسارت در زمان مقرر کشاورزان را نسبت به صندوق بیمه محصولات کشاورزی بی اعتماد می کند. از این رو پیشنهاد می شود، نظارت بر پرداخت به موقع اعتماد ودلگرمی بیشتری در بین کشاورزان صورت پذیرد.

میکروبی برای کورهایی که خواستار این کشمش هستند، رعایت شده باشد.

۳- پیشنهاد می شود به منظور بهبود کیفیت و کمیت محصول تولید و انتقال دانش و مهارت دو طرفه در بین کارشناسان، محققین و کشاورزان کارگاههای آموزشی روز مزرعه در مزرعه کشاورزان تشکیل گردد. که علاوه بر بحثهای تئوری که محققین و اساتید مربوطه مطرح می کنند از نزدیک هم با مطالب بیان شده آشنایی صورت می گیرد.

۴- پیشنهاد می شود که تعادل بین قیمت تولید و عرضه در بازار ایجاد شود.

۵- پیشنهاد می شود کشاورزان جهت جلوگیری از وارد آمدن صدمه به محصولات کشاورزی و آلودگی بیش از پیش محیط زیست، سموم مورد نیاز خود را طبق حواله های کلینیک های گیاه پزشکی یا واحد حفظ نباتات مدیریت جهاد کشاورزی، از فروشگاهها و عاملین مجاز فروش سموم

منابع

- حسین‌زاده، ا. (۱۳۹۴). تحلیل مدل زنجیره ارزش صنوبر در استان آذربایجان غربی با هدف بهسازی آن. مجله صنایع چوب و کاغذ ایران، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۴۱-۵۲.
- ذوالفقاریان، م.، لطیفی، م. (۱۳۹۰). نظریه پردازی داده بنیاد با نرم‌افزار NVivo. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق. رسولی، ع. (۱۳۸۴). تعیین کارایی فنی تولیدکنندگان انگور و عوامل موثر بر آن در استان قزوین. بوم شناسی گیاه زراعی، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۲۳-۳۰.
- زارع، ش. (۱۳۸۴). اقتصاد تولید و کارایی انگور کاران استان خراسان مطالعه موردی شهرستان کاشمر. اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۱۳، صفحات ۷۹-۳۰۶.
- سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی (۱۳۹۷). آمارنامه کشاورزی ۱۳۹۶. ارومیه، سازمان جهاد کشاورزی.
- صالحی، س.، رضایی مقدم، ک. و حیاتی، د. (۱۳۸۸). کاربرد مدل اصلاح شده پذیرش فناوری برای پیش بینی تمایلات رفتاری و ایستارهای زیست محیطی کارشناسان کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۱۵-۲۹.
- کرباسی، ع.، صحابی، ح. و محمدزاده، ح. (۱۳۹۷). چالش‌های زنجیره ارزش زعفران ایران در بازارهای جهانی. پنجمین همایش ملی زعفران، ۲۳ آبان ۱۳۹۷، تربت حیدریه، دانشگاه تربت حیدریه.
- گلباز، ش.، کرمی دهکردی، ا. و مجردی، غ. (۱۳۹۴). تاثیر کسب اطلاعات از کانال‌های ارتباطی میان‌فردی انگورکاران بر مقدار مصرف صحیح کود در تاکستان‌های شهرستان خرمدره. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۶، شماره ۱، صفحات ۱۶۷-۱۷۶.
- ماقبل، ر.، نادری مهدی، ک.، یعقوبی فرانی، ا. و محمدی، م. (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین موانع اثرگذار بر توسعه نظام
- نوآوری فناوریانه کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره ۱۲، شماره ۱، صفحات ۲۰-۲۱.
- مفتون آذر، ن. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه ارقام غالب انگورخیز فارس برای تبدیل و فراوری. گزارش طرح تحقیقاتی. تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
- مقصودی، ش. (۱۳۸۶). تکنولوژی انگور و فراورده‌های آن. تهران، انتشارات علم کشاورزی ایران.
- مکی آبادی، ف.، لشکرآرا، ف. و میردامادی، م. (۱۳۹۵). نقش کشاورزی ارگانیک در امنیت غذایی از دیدگاه کارشناسان کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی استان تهران. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۹، شماره ۲، صفحات ۲۲-۱۱.
- نجاتیان، م. (۱۳۸۵). جمع‌آوری و ارزیابی اولیه ارقام انگور استان قزوین. مجله به نژادی نهال و بذر، دوره ۲۲، شماره ۳، صفحات ۳۱۹-۳۳۸.
- نیازی شهرکی، ص و مینعی، ع. (۱۳۹۷). بررسی چالش‌های زنجیره ارزش محصولات باغی با رویکرد اقتصاد مقاومتی از طریق مقایسه وضعیت موجود و مطلوب. فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، دوره ۱۰، شماره ۳، صفحات ۱۴۸-۱۲۹.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۸ الف). ۸۰ درصد انرژی غذایی کشور در داخل تولید می‌شود. تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۸ ب). آمارنامه کشاورزی ۱۳۹۷، جلد سوم: محصولات باغبانی. تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
- یزدان پناه، م. و رحیمی فیض آباد، ف. (۱۳۹۸). دلایل عدم موفقیت ترویج کشاورزی با استفاده از تئوری بنیانی (مورد مطالعه: جهاد کشاورزی استان لرستان). مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۵۰، شماره ۳، صفحات ۵۷۵-۵۴۹.
- Aker, J. C. (2011). Dial A for agriculture: a review of information and communication technologies for agricultural extension in developing countries. *Agricultural Economics*, 42(6): 631-647.
- Birachi, E. A., Rooyen, A. v., Some, H., Maute, F., Cadilhon, J. J., Adekunle, A., & Swaans, K. (2013). Innovation platforms for agricultural value chain development.
- Devaux, A., Velasco, C., Jager, M., Adams, M., Candresse, T., Hammond, J., & Pearson, M. (2016). Integrating agricultural innovation and inclusive value-chain development: introduction. *Innovation for inclusive value-chain development: Successes and challenges*, 159.
- Du, T., Kang, S., Zhang, J., Li, F., & Yan, B. (2008). Water use efficiency and fruit quality of table grape under alternate partial root-zone drip irrigation. *Agricultural water management*, 95(6): 659-668.
- Durbarray, R. (2017). *Research Methods for Tourism Students*. London: Routledge, <https://doi.org/10.4324/9780203703588>.
- Evans, G. L. (2013). A novice researcher's first walk through the maze of grounded theory. *Grounded Theory Review* 12(1).

- Glaser, B. G., Strauss, A. L., & Strutzel, E. (1968). The discovery of grounded theory; strategies for qualitative research. *Nursing research*, 17(4): 364.
- Hussein, M. E., Hirst, S., Salyers, V., & Osuji, J. (2014). Using grounded theory as a method of inquiry: Advantages and disadvantages. *The Qualitative Report*, 19(27): 1-15.
- Jones, M., & Alony, I. (2011). Guiding the use of grounded theory in doctoral studies—An example from the Australian film industry.
- Karamidehkordi, E. (2010). A country report: challenges facing Iranian Agriculture and Natural Resource Management in the twenty-first century. *Human ecology*, 38(2): 295-303.
- Läpple, D., Renwick, A., & Thorne, F. (2015). Measuring and understanding the drivers of agricultural innovation: Evidence from Ireland. *Food Policy*, 51, 1-8.
- Makini, F. W., Kamau, G. M., Makelo, M. N., & Mburathi, G. (2013). A guide for developing and managing agricultural innovation platforms. Draft submitted to Australian Centre for International Agriculture Research (ACIAR), Australia.
- Ros-Tonen, M. A., Van Leynseele, Y.-P. B., Laven, A., & Sunderland, T. (2015). Landscapes of social inclusion: Inclusive value-chain collaboration through the lenses of food sovereignty and landscape governance. *The European Journal of Development Research*, 27(4): 523-540.
- WorldBank. (2006). *Enhancing agricultural innovation: how to go beyond the strengthening of research systems*: World Bank
- FAO. (2018). *Food and agriculture organization of the United Nations*. Available at: <http://www.fao.org/home/en/Http://www.Fao.Org/faostat/en/#data/qc>
- Ashfaq, M., Hassan, S., Abbas, A., Razzaq, A., Mehdi, M., Ariyawardana, A., & Anwar, M. (2019). Critical issues at the upstream level in sustainable supply chain management of agri-food industries: Evidence from Pakistan's citrus industry. *Sustainability*, 11(5), 1326.
- Nyaoga, R., & Magutu, P. (2016). Constraints management and value chain performance for sustainable development. *Management Science Letters*, 6(6): 427-442.
- Siddique, M. I. (2015). *Factors affecting marketing channel choice decisions in citrus supply chain: a thesis presented in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Agribusiness at Massey University, Palmerston North, New Zealand (Doctoral dissertation, Massey University)*.
- Hammad, B. A. (2014). *Value Chain Performance Improvement for Sustainable Mango Industry Development in Pakistan thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy at The University of Queensland in 2014 School of Agriculture and Food Sciences*.
- Minot, N. & Sawyer, B. (2016). Contract farming in developing countries: theory, practice, and policy implications, in Devaux, A., Torero, M., Horton, D. and Donovan, J. (Eds), *Innovation for Inclusive Value Chain Development: Successes and Challenges*, International Food Policy Research Institute, Washington, DC, 127-155.
- Zhao, G., Liu, S., Lopez, C., Lu, H., Elgueta, S., Chen, H., & Boshkoska, B. M. (2019). Blockchain technology in agri-food value chain management: A synthesis of applications, challenges and future research directions. *Computers in Industry*, 109: 83-99.

